

### متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد بزرگوار: به لطف الهی توفیق پیدا کردم و کتاب «گلستان یازدهم» را مطالعه کردم و حقیقتاً فیض بردم. مثل روز برایم روشن شد که از دریچه این کتاب و جملات و الفاظ آن، پیوسته نور شهید تجلی می کند و قلوب ظلمانی و سیاه ما را تحت تأثیر قرار می دهد. و چقدر راحت اشک ما را زان سوی هفت پرده به بازار می کشاند. استاد در قسمتی از کتاب مذکور، همسر شهید علی چیت ساریان از لحظات دفن شهید گزارش می دهد: « یکدفعه حس کردم علی کنارم ایستاده. تکیه دادم به گرما و صدای علی را با آن لهجه غلیظ و شیرین همدانی شنیدم: « فرشته، حلالم کن. گُلْم، زینب وار، زینب وار زندگی کن، زینب وار...». پرسش من این هست چه کنیم رفاقت و ارتباط مان با شهیدان شدید و شدیدتر شود و ایشان را با تمام قوای وجودی خود و در منظر خود احساس کنیم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پذیرفتن نقش شهدا و حضور فعال آنها، امری است بسیار مهم و با ارزش که باید از آن غفلت نکرد. عرایضی در محرم سال گذشته در این رابطه شد. خوب است به متن و صوت آن رجوع شود با عنوان «کربلا و رازی که شهدا متوجه آن بودند در بستر «ایمان» و «امید» <https://lobolmizan.ir/sound/۱۲۲۷?mark=%D۸%B۱%D۸%A۷%D۸%B۲> موفق باشید